

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پنسن، میریام ایوان	عنوان و نام پدیدآور:
روایت آمیزی در دن کیشوت /	مشخصات نشر:
بر اساس مقاله‌ای از میریام ایوان پنسن و پیترن. دان؛ مترجم؛ بهروز قیاسی.	مشخصات ظاهری:
تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۶.	فروخت:
۹۶ ص.	شابک:
بیشتر از داستان: ۲	وضعیت فهرست نویسی:
دور: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۴-۹	داداشت:
جلد: ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۶-۳	فیلیا
کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان "Discursive hybridity: Don Quixote's and Sancho Bloom's Modern" نوشته میریام ایوان پنسن و پیترن. دان می‌باشد که در کتاب "Panza's utopias Critical Interpretations: Miguel de Cervantes's; Don Quixote سروانتش، میگل د. ۱۶۱۶-۱۵۴۷. دن کیشوت -- نقد و تفسیر داستان‌های اسپانیایی -- قرن ۱۶م. -- نقد و تفسیر دان، پیترن، ۱۹۴۶- م. Dunn, Peter N. قیاسی، بهروز، ۱۳۶۳- مترجم پورآذر، رویا، ۱۳۴۳-	موضوع:
سروانش، میگل د. ۱۶۱۶-۱۵۴۷. دن کیشوت	موضوع:
PQ	شناسه افزوده:
۸۶۳/۳	شناسه افزوده:
۴۷۶۵۸۴۳	شناسه افزوده:
	ردیهندی کنگره:
	ردیهندی دیوبی:
	شماره کتابشناسی ملی:

بیشتر از داستان (۲)

روایت آمیزی در دنکیشوت

بر اساس مقاله‌ای از مریام ایوان پنسن و پیتر ن. دان

مترجم: بهروز قیاسی

دبیر مجموعه: رؤیا پورآذر



مجموعه بیشتر از داستان (۲)

دبیر مجموعه: رؤیا پورآذر

روایت آمیزی در دن کیشوٹ

بر اساس مقاله‌ای از: مریام ایوان ینسن و پیتر ن. دان

مترجم: بهروز قیاسی

ویراستار: مریم السادات حسینی سیرت

مدیر هنری: کیارنگ علایی

طراح جلد: حسین اسکندری

صفحه‌آرا: محمد رضا لری چی

بازبینی نهايی متن: محمدمهدی حیدري

ناظر چاپ: سید مجید سلطانی

لیتوگرافی و چاپ: موژان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۳

چاپ اول: ۱۳۹۶، ۵۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است.

هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه

(جایی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



تهران، خیابان گل‌نبی، خیابان شهید ناطق‌نوری، کوی رضاییگ، پلاک ۹.

تلفن: ۰۲۲۸۵۵۲۴۷

Atraf.ir | Email: atrafpub@gmail.com

هیچ داستانی مسلم تراز داستان‌های ساختگی نیست.

سروانتس

سخن ناشر / ۸

روایت‌آمیزی؛ نشت و سریان گفتمان‌های هم‌جوار / ۱۱
آشنایی با مفاهیم نظری و کلیدواژه‌های مقاله

درهم‌آمیزی گفتمانی / ۳۵

مقاله‌ای درباره روایت‌آمیزی در دن‌کیشوت

ماجراء؛ رخدادی بیرون از جریان زندگی / ۴۰

ماجراجویی؛ روایت پی‌ریزی دنیای ایده‌آل / ۴۵

آرمان شهر دن‌کیشوت و سانچو / ۵۵

مرزهای تراوای فرهنگ و شکاف‌های گفتمان / ۶۰

درهم‌آمیزی آرمان شهرها / ۸۴

پی‌نوشت‌ها / ۸۵

فهرست منابع / ۸۶

خلاصه رمان / ۸۹

کتاب اول / ۹۰

کتاب دوم / ۹۳

سخن ناشر

رویارویی با داستان هویت ما را شکل می‌دهد، فرو می‌ریزد و بازسازی می‌کند. داستان هم بسته به این‌که چه کسی آن را می‌خواند و چگونه آن را می‌خواند، بارها و بارها ساخته می‌شود، فرو می‌ریزد و از نو شکل می‌گیرد. در مواجهه با هر اثر داستانی در چرخه‌این اثرگذاری دوسویه هستیم.

خواندن نقد و خوانش تخصصی، این تأثیرپذیری دوسویه و سطح درگیری مخاطب با رخدادها، شخصیت‌ها و صدای‌های موجود در هر رمان را افزایش می‌دهد. با نقد و دقت در داستان به تدریج ارتباط میان مخاطب و متن چنان تنگاتنگ می‌شود که دنیای داستان جایی در میان تجربه‌های زیسته پیدا می‌کند و در ردیف رخدادهایی قرار می‌گیرد که در زندگی واقعی از سرگذرانده‌ایم.

مهار رخدادهای دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم در دست ما نیست. داستان به ذهن ما کمک می‌کند تا از دل آشفتگی‌های پیرامونمان معنا بیافرینیم و پدیده‌های

مهم و تأثیرگذاری مانند زمان و تغییر را از نو تعریف کنیم. برای کنار آمدن با بسیاری از رخدادهای زندگی روزمره، نیازمند تجربه‌های متفاوتی هستیم که فقط از راه داستان در اختیار ما قرار می‌گیرند. به علاوه، داستان دنیایی خلق می‌کند و به مخاطب خود هدیه می‌دهد. ما می‌توانیم در این دنیای داستانی با دیگران شریک شویم. به همین دلیل داستان یکی از مؤثرترین بسترهاي ارتباطات انسانی به شمار می‌آید.

مجموعه «بیشتر از داستان» با هدف آشنایی مخاطب فارسی‌زبان با مقاله‌های جدید و معتبر نقد طراحی و تدوین شده است.

از میان رویکردهای متفاوت خوانش یک رمان، نشر اطراف فقط با رویکردهای روایتشناختی آثار را بررسی می‌کند. در این مجموعه مقاله‌هایی انتخاب شده‌اند که به جنبه‌های روایی رمان می‌پردازند. «بیشتر از داستان» تأملی جدی بر شگردهای متنوع و متعدد روایت است که مخاطبان آثار داستانی، نویسنده‌گان و علاقه‌مندان به حوزه نقد هم‌زمان می‌توانند از آن بهره ببرند. آشنایی با مقاله‌های روزِ دنیا از سویی گستره گفت‌وگو با متن را برای هر مخاطبی وسعت می‌بخشد و از سوی دیگر ابزارهای روایت‌گری حرفه‌ای را برای نویسنده فراهم می‌آورد و راههای چگونه گفتن را شفاف می‌کند. نشر اطراف امیدوار است معرفی این الگوهای معیار در خوانش آثار باعث پویایی فضای داستان نویسی، نظریه‌پردازی و نقد در ایران شود.

در مجموعه «بیشتر از داستان» فصل اول هر کتاب به مبانی نظری، مباحث و واژه‌های کلیدی مقاله اختصاص دارد تا مخاطبان ناآشنا به نظریه هم بتوانند از اثر بهره ببرند. فصل دوم شامل متن مقاله و گزیده‌هایی از رمان مورد بحث است. در این بخش به پیروی از مقاله انگلیسی، ارجاعات نویسنده را با ذکر نام نویسنده‌گان یا عنوان منبع مورد استفاده آورده‌ایم. توضیحات نویسنده مقاله نیز در بخش پی‌نوشت‌ها آمده و با اعداد رومی مشخص شده‌اند. برای حضور ذهن بیشتر خوانندگان خلاصه رمان را در پایان ضمیمه کرده‌ایم.



روایت‌آمیزی؛ نشت و سریان گفتمان‌های هم‌جوار
آشنایی با مفاهیم نظری و کلیدواژه‌های مقاله/ رؤیا پورآذر

روایتی که از جهان داریم امید و یأس، باور و تردید، هدف و آرزوی ما را شکل می‌دهد و ما آرمان‌شهر^۱ خود را بر اساس همین روایت می‌سازیم. روایتها در جوار یکدیگر شکل می‌گیرند و از هم تأثیر می‌پذیرند. بسیاری از داستان‌نویسان و نظریه‌پردازان ادبی به موضوع رویارویی فرهنگ‌ها و روایت‌ها پرداخته‌اند. رمان دن‌کیشوت^۲ از آثار ادبی برجسته‌ای است که می‌توان در آن امتزاج دو روایت و دو آرمان‌شهر را مشاهده و بررسی کرد.

در کتاب حاضر پس از معرفی اصطلاح درهم‌آمیزی^۳ هومی‌بابا^۴، درباره تعامل فرهنگ‌های مختلف، خوانشی نواز رمان سروانتس^۵ ارائه می‌دهیم. این خوانش تأثیرپذیری متقابل فرهنگ رسمی دن‌کیشوت و فرهنگ مردمی سانچورا در عرصه رویارویی گفتمان^۶، روایت و آرمان‌شهر بررسی می‌کند.

* در تدوین این بخش، از منابع مقاله انگلیسی استفاده شده است.

1. Utopia
2. *Don Quixote*

3. Hybridization
4. Homi Bhabha

5. Cervantes
6. Discourse

آرمان‌شهرها، ناکجا آبادهایی هستند که از دل روایت‌های مختلف دربارهٔ جهان سر بر می‌آورند. نخستین بار سرتامس مورا^۱ – حقوق‌دان، فیلسوف، نویسنده و دولتمرد انگلیسی قرن شانزدهم میلادی – در کتاب آرمان‌شهر^۲ خود برای توصیف یک نظام سیاسی بی‌عیب و نقص از این واژه استفاده کرد اما به تدریج دامنهٔ کاربرد آرمان‌شهر از مباحث سیاسی اجتماعی فراتر رفت. هر فرهنگی روایتی از جهان دارد و باور به هر روایتی منجر به شکل‌گیری آرمان‌شهر همان روایت می‌شود. روایت‌ها فقط مقصد ما را مشخص نمی‌کنند بلکه مسیر رسیدن به آرمان‌شهر و ماجراهایی که در این مسیر تجربه می‌کنیم را هم رقم می‌زنند. اما روایت‌ها از کجا می‌آیند و چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟

به نظر پژوهشگران منشأ روایت‌هایی که از جهان وجود دارد عواملی مانند اساطیر، ادیان، تاریخ، ادبیات و یافته‌های علمی است. بعضی از نظریه‌پردازان باور دارند که نخستین روایت‌ها از اساطیر سرچشمه گرفته‌اند. روایت‌های اساطیری سعی داشتند چیستی و چراًی جهان را برای انسان توضیح بدهند. بسیاری از محققان انسان را ذاتاً حیوانی قصه‌گو می‌دانند که می‌کوشد هر چه را که پیرامونش وجود دارد در قالب داستان برویزد تا آشتفتگی‌ها و پراکنده‌های دنیايش را سر و سامان بدهد. گروهی نیز معتقدند نیاز ناگزیر ما به ارتباط انسانی، موجب شده که داستان‌گویی بخش جدایی‌ناپذیری از هویت انسانی شود. انسان با داستان دنیایی پیدا می‌کند که می‌تواند آن را با دیگران به اشتراک بگذارد.

صرف‌نظر از میزان درستی و اعتبار هر یک از این ادعاهای انسان همواره مشغول بازگویی و بازسازی داستان‌هایی است که پیش‌تر شنیده. در گذر زمان، بازگویی و بازسازی روایت‌های اولیه، گاه در ساحت خیال و گاه در فضای واقعی و تاریخی دنبال شده و داستان‌های جدیدی از جهان به وجود آمده است. راویان داستان‌ها دانسته و ندانسته و تحت تأثیر تجربه‌های فردی، خیال‌پردازی محض یا متأثر از رخدادهای تاریخی، سمت و سوی داستان‌ها را تغییر می‌دهند. بعضی از

این داستان‌ها به روایت‌های جمعی تبدیل می‌شوند. روایت‌های جمعی به تعبیر ژان فرانسوا لیوتار^۱ ابرروایت‌هایی^۲ هستند که روایت‌های کوچک‌تر را در دل خود جای می‌دهند و افراد زیادی قطعیت و حقیقت آن‌ها را می‌پذیرند. بعضی از روایت‌ها هم فردی هستند و در مقیاس کوچک‌تری فقط به راوی تعلق دارند و منحصر به او باقی می‌مانند.

علاوه بر منشأ پیدایش روایت‌های مختلف درباره جهان، مواجهه این روایت‌ها با یکدیگر و پیامدهای این رویارویی هم توجه داستان‌نویسان و نظریه‌پردازان نقد را به خود جلب کرده است. رمان دن‌کیشوت از مهم‌ترین آثار ادبی است که حضور دو فرهنگ رسمی و غیررسمی و تعامل آن‌ها را به تصویر می‌کشد. این اثر زاده دورانی است که فرهنگ‌های گوناگون درهم آمیخته‌اند. ردپای همه اختلاف‌نظرها، تضادها و کشمکش‌های اروپای قرن شانزدهم میلادی را می‌شود در این رمان دید. سروانتس در زمانه‌ای شخصیت‌ها و ماجراهای دن‌کیشوت را آفرید که تغییرات دوران، روایت‌های جدیدی از جهان را در کنار روایت‌های موجود گذاشت و فرهنگ‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف با یکدیگر مواجه شدند.

هر فرهنگ همراه روایت‌ها و آرمان‌شهرهای خاص خود با فرهنگ دیگر روبرو می‌شود. نظرها و نظریه‌های متنوع و متعددی درباره تعامل فرهنگ‌ها وجود دارد که یکی از آن‌ها موسوم به نظریه درهم‌آمیزی متعلق به هومنی‌بابا است؛ نظریه‌پرداز برجسته معاصر در حوزه مطالعات پسااستعماری. این نظریه درباره مواجهه فرهنگ و هویت استعمارگر و استعمارشده است اما برای بررسی تعامل میان فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌های دیگر هم به کار می‌رود. بر اساس نظریه درهم آمیزی همواره در شکاف میان دو فرهنگ فضایی بینابینی وجود دارد که بستر امتزاج آن‌ها را فراهم می‌کند. حاصل این رویارویی، شکل‌گیری یک فرهنگ درهم‌آمیخته^۳ یا پیوندی است که از دل آن روایت و آرمان‌شهر درهم‌آمیخته به وجود می‌آید.

کتاب حاضر را بر اساس مقاله «درهم‌آمیزی گفتمانی: آرمان‌شهرهای دن‌کیشوت و سانچو پانزا»^۱ تدوین کرده‌ایم. این مقاله با الهام از مفهوم درهم‌آمیزی هومی‌بaba، جنبه‌های متعددی از رویارویی روایت رسمی و روایت عامیانه شخصیت‌های رمان را معرفی و بررسی می‌کند. نویسنده‌گان مقاله، میریام ایوان پِنسن^۲ و پیتر ن. دان^۳ خوانشی متفاوت از تعامل آرمان‌شهرهای موجود در اثر سروانتس دارند که دریچه‌ای نو به دنیای داستان است.

همان‌طور که اشاره کردیم در اروپای قرن شانزدهم، یافته‌های جدید علمی و شواهد تجربی، بیش از هر زمان دیگر، روایت‌های قدیمی و رایج درباره جهان و زندگی بشری را به چالش کشیدند. تا آن زمان روایت‌های باستانی را بدیهی و قطعی می‌دانستند و آرمان‌شهر انسان‌ها هم بر مبنای آن روایت‌ها تعریف می‌شد. حضور همزمان دیدگاه‌ها و صدای‌های متعدد و متنوع با قدرت و توان یکسان یا به اصطلاح، چندصدایی^۴ فرهنگی حاکم بر قرن شانزدهم، روایت‌های جدید و قدیمی را در مقابل هم قرار داد. هر روایت نو هم آرمان‌شهر جدید و متفاوتی را ترسیم کرد. سروانتس با هنرمندی تمام، در قالب داستان دن‌کیشوت تقابل این روایت‌ها و آرمان‌شهرهایشان را به تصویر می‌کشد.

پیش از مطالعه نقد پِنسن و دان لازم است با مفهوم درهم‌آمیزی هومی‌بaba، بیشتر آشنا شویم. اصطلاح درهم‌آمیزی مانند بسیاری از نظریه‌های نقد، به ایجاد فرهنگی تلفیقی از برخورد چند فرهنگ مختلف و انعکاس این پدیده در ادبیات جهان اشاره دارد. آن‌چه نظریه هومی‌بaba، را در این میان برجسته می‌کند توصیف خاص او از فرآیند درهم‌آمیزی و چگونگی ایجاد یک فرهنگ پیوندی است. به گفته او بر روی مرز فرهنگ‌ها و خردۀ فرهنگ‌های^۵ هم‌جوار، شکاف‌هایی وجود دارد که امکان نشت فرهنگ‌ها در یکدیگر و شکل‌گیری فرهنگی جدید را فراهم می‌کند.

1. “Discursive Hybridity: Don Quixote’s and Sancho Panza’s Utopias”
2. Myriam Yvonne Jehenson

3. Peter N. Dunn
4. Polyphony
5. Subculture

مواجههٔ فرهنگ استعمارگر و استعمارشده یا سایر فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌ها، فضایی را به نام «فضای سوم بیان»^۱ ایجاد می‌کند. این فضای بینابینی میدانی است که در آن هر فرهنگ با افشاءٔ ابهام‌ها و تردیدهای موجود در فرهنگ دیگر، ادعای اعتبار و کمال مطلق دیگری را به چالش می‌کشد.

چالش نظام‌های فرهنگی مختلف نشان می‌دهد که روایت، آرمان شهر و سایر مشتقات فرهنگ‌ها مقولاتی متغیر هستند. درنتیجه، توهمندی ثبات، یکپارچگی، اعتبار، حقیقت و حقانیت ادعاهای و گزاره‌های هر فرهنگ فرو می‌پاشد. می‌توان در همهٔ نشانه‌های فرهنگی دخل و تصرف کرد و آن‌ها را از نو شکل داد. فضای سوم بیان، درزی میان مرزهای متزلزل است که فرهنگ‌های مختلف، خلوص مفروض خود را در آن از دست می‌دهند و پایشان به قلمرو یکدیگر باز می‌شود.

همچنین بر اساس نظریهٔ تقلید هومی‌با، استعمارشده با تقلید از استعمارگر بخش‌هایی از فرهنگ و هویت او را از آن خود می‌کند. همین امر موجب کم‌رنگ شدن فاصلهٔ بین آن‌ها می‌شود و معادلات قدرت را کاملاً بر هم می‌زنند. در نتیجهٔ این تقلید، هویت استعمارگر که معمولاً خود را در تقابل با هویت کاملاً متفاوت استعمارشده تعریف می‌کند، دچار سردگمی می‌شود و در برابر تغییرهای جزئی از خود انعطاف نشان می‌دهد. همین تغییرهای جزئی، پایه‌های قطعیت و ثبات هویت استعمارگر را سست می‌کند. هومی‌با، که در میان نظریه‌پردازان پس‌استعماری به خوبی معرفی شده است، این امر را به فال نیک می‌گیرد و فرهنگ درآمیخته یا پیوندی را سد راه تثبیت دوقطبی استعمارگر/استعمارشده می‌داند. نظریهٔ هومی‌با، به مباحث پس‌استعماری محدود نمی‌شود و فرآیندی که او از رویارویی دو فرهنگ، در هم‌آمیزی آن‌ها و پدیدهٔ تقلید توصیف می‌کند، دربارهٔ مواجههٔ همهٔ فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌ها صادق است.

سروانتس از دل یک جهان در حال تغییر، شخصیت‌هایی مانند دن‌کیشوت و سانچو پانزا را می‌آفریند. هریک از آن‌ها روایت خاص خود را از میان روایتهای

موجود زمانه برمی‌گزیند و ناکجا آباد آرمانی اش را بر مبنای آن روایت شکل می‌دهد. مسیر دستیابی این دو شخصیت به آرمان شهرهایشان و شکل ماجراجویی آنها نیز با هم تفاوت دارد. اما به تعبیر نویسنده‌گان مقالهٔ حاضر، درنتیجهٔ رویارویی و تعامل فرهنگ‌رسمی و مردمی رمان، یک گفتمان آرمان‌شهری شکل می‌گیرد که حاصل فرآیند روایت‌آمیزی است.

با این مقدمهٔ کوتاه دربارهٔ روایت‌آمیزی، به توضیح مقاله و مباحث دیگر آن می‌پردازیم. مباحث مقاله را می‌توان به پنج بخش مرتبط تقسیم کرد: ماجرا؛ رخدادی بیرون از جریان زندگی، ماجراجویی؛ روایت پی‌ریزی دنیای ایده‌آل، آرمان‌شهر دن‌کیشوت و سانچو، مرزهای تراوای فرهنگ و شکاف‌های گفتمان و درهم‌آمیزی آرمان‌شهرها.



مفهوم ماجرا که در بخش اول مقاله آمده، در مباحث آرمان‌شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. چنان‌چه گفتمان آرمان‌شهرها با انتخاب یا شکل‌گیری روایت ما از جهان و بر مبنای همان روایت ترسیم می‌شوند. مسیر دستیابی به دنیای آرمانی هم مسیری مشخص و مناسب با همان آرمان‌شهر است که مستقیم یا غیرمستقیم از روایت گرفته می‌شود. هر مسیر آبستن ماجراهای خاص خود است. به بیان دیگر ما متأثر از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف، روایتی از جهان را برای خود برمی‌گزینیم. به دنبال انتخاب یک ابرروایت، یا خلق یک روایت شخصی از میان روایت‌های موجود، آرمان‌شهر معینی به منزلهٔ مقصد نهایی زندگی یک فرد رقم می‌خورد.

از آن‌جا که آرمان‌شهر هر کس با دیگری تفاوت دارد، مسیرهای دستیابی به دنیای ایده‌آل افراد هم متعدد است. هر مسیر ماجراهای خاص خود را دارد. بدین‌ترتیب برنامهٔ زندگی هر کس مجموعهٔ ماجراجویی‌هایی است که در راه رسیدن به آرمان‌شهر خود تجربه می‌کند. دانستن مفهوم ماجرا و ماجراجویی در نگاه دو شخصیت اصلی رمان سروانتس که هر یک به فرهنگی خاص تعلق دارند، مخاطب را با وجوه جدیدی از اثر آشنا می‌کند. دن‌کیشوت که نمایندهٔ فرهنگ‌رسمی در رمان است هنوز به حقانیت و قطعیت روایت‌های موجود در کتاب‌های محبوبش باور

دارد. روایت او از جهان همان روایتی است که در کتاب‌های شوالیه‌ای ترسیم شده و آرمان شهر او هم متناسب با این داستان‌ها شکل‌گرفته است. سانچو هم بر اساس روایت منتخبش از میان روایت‌های عامهٔ مردم و فرهنگ شفاهی، آرمان شهر خود و مسیر دستیابی به آن را تعیین می‌کند. با درکنار هم قرار گرفتن این دو شخصیت و همراهی آن‌ها در ماجراهای رمان، دو روایت جمعی مهم با یکدیگر روبرو می‌شوند. یکی از راه‌های ورود مخاطب به دنیای داستان دن‌کیشوت، آشنایی با این روایت‌ها و آرمان شهرهای حاصل از آن‌هاست.

مفهوم ماجرا و ماجراجویی به معنای برنامهٔ زندگی، در گذر زمان تغییرات فراوانی داشته. نویسنده‌گان مقاله با استناد به تعریف و تقسیم‌بندی میخاییل باختین^۱، فقط به دو نوع ماجراجویی اشاره می‌کنند که به رمان سروانتس ارتباط دارند: ماجرا در ادبیات یونان و روم باستان و ماجرا در قرون وسطاً. باختین نظریه‌پرداز برجستهٔ روسی است که در ایران بیشتر با ایده‌هایش دربارهٔ گفت‌وگو و چندصدایی شناخته می‌شود. به گفتهٔ باختین، ماجراجویی قهرمان باستانی در قالب آزمایش الهی است. سرنوشت محظوظ و تقدیر قهرمان کلاسیک، رویارویی با آزمون‌هایی است که خدایان مقرر کرده‌اند. قهرمان ادبیات باستان، ابزاری است در دست خدایان که برای تحقق نقشه الهی، مسئولیتی بر دوشش نهاده شده و باید ماجراهایی را تجربه کند.

اما قهرمان قرون وسطاً یا شوالیه حق انتخاب دارد و به جست‌وجوی ماجرا می‌رود. او عرصهٔ رویارویی خود با آزمون‌ها را انتخاب می‌کند و هویتش را با این انتخاب شکل می‌دهد. ماجراهای زندگی شوالیه قرون وسطاً بسته به عرصه‌ای که برای فعالیت‌هایش برگزیده، تغییر می‌کند. البته شوالیه رخدادهای زندگی اش را بر اساس روایت و آرمان شهر خود انتخاب می‌کند اما نمی‌توان ماجراهای زندگی او را پیش‌بینی کرد. سرنوشت، او را هم مانند قهرمان باستانی غافل‌گیر می‌کند. علاوه بر عنصر غافل‌گیری در ماجراهای زندگی، وجه مشترک دیگر این دو قهرمان، تعهد

آن‌هاست. همان‌طور که قهرمان ادبیات یونان و روم باستان در پیشگاه خدایان متعهد به ماجراجویی و رسیدن به هدفی مقدر است، شوالیه هم نسبت به انتخاب خود تعهد دارد.

ینسن و دان، دن‌کیشوت را از تبار قهرمانان قرون وسطاً می‌دانند که آرمان‌شهرش جایی در گذشته و در دوران شوالیه‌گری قرون وسطایی قرار دارد. به نظر آن‌ها ماجراجویی‌های دن‌کیشوت دو مرحله دارند. مرحله‌اول ماجراهی انسانی است که بر اساس باور به روایتی خاص، آرمان‌شهرش را ترسیم می‌کند، خود را تغییر می‌دهد و خانه‌اش را ترک می‌کند. در این مرحله شخصیت آزادانه دست به انتخاب می‌زند. مرحله‌دوم ماجرا شامل ماجراجویی‌های قهرمان و تلاش او برای اجرای مسؤولیت‌های مشخص شوالیه‌گری قرون وسطایی است. در این مرحله اختیار شوالیه نقش مهمی ندارد. او در پی انتخاب اولش پا در راهی گذاشته که ماجراهای گوناگونی را پیش روی شوالیه می‌گذارد و در هر ماجرا وظيفة او مشخص و معین است. تمرکز این مقاله بر بخش اول ماجراهی دن‌کیشوت است.

در مرحله‌اول ماجرا، قهرمان به دنبال خلق فضایی نو و آرمانی است که در آن آرزوها و فانتزی‌هایش تحقق پیدا کنند. کل زندگی او به ماجراهی تبدیل می‌شود که او را به آرمان‌شهرش می‌رساند. در دنیای ایده‌آل شوالیه، افراد جامعه فقط در پی کسب دارایی و رفاه فردی نیستند و در فضایی ساده و صمیمی به دور از فساد و ظلم، در کنار هم زندگی می‌کنند. بدیهی است که این دنیای اسطوره‌ای را نمی‌توان در مکان و زمان معینی پیدا کرد.

شوالیه‌های قرون وسطایی فقط در دنیای شانس و جادو می‌توانند زندگی کنند و هویت خود را شکل دهند. به همین دلیل مختصات جغرافیایی و موقعیت تاریخی رخدادها و ماجراهای داستان سروانتس مبهم است. رخدادهای داستان مثل بیشتر ماجراهای در امتداد زندگی روزمره شخصیت رمان قرار نمی‌گیرند. قهرمان روال عادی زندگی را ترک می‌کند و می‌کوشد آرمان‌شهرش را در فضاهایی بسازد که مانعی برای ماجراجویی‌هایش ایجاد نمی‌کنند. ماجراجویی‌های او در جاده‌های دورافتاده، در دل دشت‌ها و کوه‌ها و در فضای مسافرخانه‌هایی دنبال می‌شود که

بستر لازم برای احیای گذشتهٔ شوالیه‌گری ایده‌آلش را فراهم می‌کنند. جزیره‌های ناشناخته‌ای که در آن‌ها سحر و جادو مقولاتی واقعی هستند و زمینهٔ مناسب برای تحقق آرزوها و فانتزی‌های شوالیهٔ خیالی را در اختیارش می‌گذارند.

ماجراجویی‌های شوالیه از لحاظ زمانی هم بیرون از چرخهٔ توالی زمان واقعی هستند. خلاف رخدادهایی که در زندگی واقعی وجود دارند، ترتیب زمانی ماجراهای او معنای خاصی ندارد. دن‌کیشوت برای رسیدن به آرمان شهر طلایی‌اش هم خود را از مکان حقیقی دور می‌کند و هم زمانِ حال واقعی زندگی‌اش را ترک می‌کند و از یک نازمان^۱ آرمانی سر در می‌آورد. به همین دلیل ماجراهای شوالیه سروانتس ماهیتی رؤیاگونه پیدا می‌کنند.

در این رمان، کارگری تهی دست هم با روایت و آرمان شهر خاکش پابهپای شوالیه قرون وسطایی پیش می‌رود: سانچو پانزا. حضور سانچو در داستان، توجه ما را به روایت و آرمان شهر برآمده از فرهنگ عامه جلب می‌کند که در نظام ارزشی متفاوتی ریشه دارد. تفاوت جایگاه اجتماعی دن‌کیشوت و سانچو به مثابهٔ نمایندگان دو فرهنگ رسمی و غیررسمی موجب می‌شود که هر یک، در مسیر رسیدن به شهر آرمانی خود، ماجراهای متفاوتی را تجربه کنند.



پس از مباحث مقدماتی دربارهٔ مفهوم ماجرا و انواع خاصی از ماجرا که به رمان سروانتس مربوط است، نویسنده‌گان مقاله در بخش «ماجراجویی: روایت پی‌ریزی دنیای ایده‌آل»، به وجود زیرمتنی اشاره می‌کنند که انسان را به ماجراجویی یا تلاش برای رسیدن به دنیای آرمانی تشویق می‌کند. این زیرمتن، وجود بحران در بافت اجتماعی است. همواره نارضایتی از شرایط موجود، افراد را به بازنگری روایت خود و تلاش آگاهانه برای دستیابی به آرمان شهر تشویق می‌کند. در رمان دن‌کیشوت هم به دلیل وجود همین زیرمتن حس نوستالژی نسبت به دنیایی آرمانی در زمان گذشته شکل می‌گیرد.

ماجراجویی‌های دنکیشوت نشان از حسرت او برای رسیدن به آرمان شهری است که در گذشته‌ای اسطوره‌ای قرار دارد. در تصویر ذهنی او از دوران طلایی شوالیه‌گری، نشانی از واقعیت‌های خشن قدرت و فساد رایج زمانه‌اش وجود ندارد و در آن اثری از مالکیت فردی دیده نمی‌شود. عشق او هم متناسب با آرمان شهری که برای خود ترسیم کرده، متعلق به دنیای شوالیه‌گری و ازنوع عشق آرمانی است. عشق شوالیهٔ قرون وسطایی، عرصهٔ آزمونی مقدس می‌شود. او باید به استقبال ماجراهایی برود که عشق راستینش را به معشوق اثبات کند و به ماجراجویی‌ها و هویتش معنا ببخشد. این بخش مقاله با بحث مختص‌ری دربارهٔ علت انتخاب آرمان شهر دنکیشوت از روایتی که متعلق به گذشته شوالیه‌گری است و کارکرد ماجراجویی در شکل دادن به هویت فرد به پایان می‌رسد.



گفتیم که ماجراجویی تلاشی است برای رسیدن به دنیای آرمانی. نویسنده‌گان در بخش سوم مقاله آرمان شهرهای دو شخصیت اصلی را توضیح می‌دهند و به پیامدهایی اشاره می‌کنند که حاصل قرارگرفتن نظام‌های ارزشی متفاوت در کنار هم است. رویارویی روایت رسمی و مردمی از جهان و هم‌جواری آرمان شهرهای برخاسته از آن‌ها، دو نکته را برای مخاطب روشن می‌کند. اول این‌که فانتزی‌های طبقات فرودست جامعه چه تفاوت‌هایی با فانتزی‌های فرهنگ حاکم دارد و دنیای آرمانی نماینده‌گان هر فرهنگ چه ویژگی‌هایی دارد. نکته دوم توضیحی است دربارهٔ ارتباط جایگاه اجتماعی افراد با ماهیت ماجراهایی که از سر می‌گذرانند.

به گفته این مقاله دنکیشوت در حسرت رسیدن به دنیایی مانند سرزمین آرمانی آرکیدیا^۱ است که در آن زندگی ساده و بی‌پیرایهٔ روستایی در فضایی عاری از تبعیض و ستم و خشونت جریان دارد. او در پی احیای ارزش‌های سنتی عصر طلایی و نوعی ساده‌زیستی رمانتیک است. اما آرمان شهر سانچو به منزلهٔ نمایندهٔ طبقهٔ فرودست، عشرت‌کده‌ای است که در آن هیچ‌کس مجبور نیست

برای گذراندن زندگی تلاش کند و نیازها و آرزوهای افراد بدون هیچ زحمتی برآورده می‌شود. این آرمان‌شهر مردمی برآمده از روایت‌های موجود در حافظهٔ جمعی، روایت‌های فرهنگ شفاهی و داستان‌های اساطیر کاکین^۱ است. طبق این روایت‌های اساطیری در سرزمین کاکین از زحمت و تلاش طاقت‌فرسا خبری نیست، کسی دغدغهٔ سیر کردن شکمش ندارد و تنها کار ساکنان این بهشت آرمانی شکم‌بارگی است.

اما در روایت واقع‌گرایانهٔ فرهنگ عامه، کار طاقت‌فرسا و فقر بخش‌های جدانشدنی زندگی روستایی هستند؛ همان زندگی روستایی که آرمان‌شهر دن‌کیشوت در آن قرار دارد. واقع‌گرایی خرد فرهنگ طبقات فروdest، شکافی را که از برخورد این دو فرهنگ دهان باز کرده بسط می‌دهد. باور سانچو به چنین روایتی است که موجب می‌شود تصویر خیالی دن‌کیشوت از زندگی ساده و بی‌پیرایهٔ عصر طلایی را اوهامی بیش نداند.

نویسنده‌گان مقاله پس از تبیین آرمان‌شهرهای موجود در اثر، به دو نکتهٔ مهم اشاره می‌کنند که زمینه‌ساز روایت‌آمیزی در مواجههٔ فرهنگ‌ها هستند. این دو عامل عبارتند از وجود نقاط مشترک بین دو نظام ارزشی مختلف و خالص نبودن تصویر آرمان‌شهری نماینده‌گان فرهنگ‌های مختلف.

بیشتر فرهنگ‌ها، روایتها و آرمان‌شهرها نقاط مشترک دارند. این وجود مشترک همان شکاف‌هایی را می‌سازند که دیوارهای مرزی یک نظام ارزشی را نفوذپذیر می‌کنند. مثلاً در این رمان هم روایت رسمی و هم روایت غیررسمی، دنیای ایده‌آلی را تجسم می‌کنند که در آن‌ها برای حل همه مشکلات، راه حل‌هایی تخیلی وجود دارد. همین وجه مشترک، نخستین عامل برای شکل‌گیری فضای سوم بیان است.

عامل دیگر روایت‌آمیزی دو فرهنگ متفاوت، شکل‌گیری آرمان‌شهری پیوندی و درهم‌آمیخته است که در این داستان در شخصیت سانچو تبلور یافته

است. سانچو علاوه بر تن آسایی و شکم‌بارگی موعود در آرمان شهر مردمی، نمی‌تواند از پُست و مقامی بگذرد که در آرمان شهر رسمی دنکیشوت به او وعده داده شده. معمولاً روایت و آرمان شهر انسان از جهان به شکل گزینشی شکل می‌گیرد. بدین معنا که حتی پس از پذیرش یک ابرروایت، بسته به عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... فرد بخش‌ها و عناصری را به روایت اصلی و آرمان شهر حاصل از آن می‌افزاید یا از آن حذف می‌کند. وجود مشترک نظام‌های ارزشی گوناگون و آرمان‌شهرهای درهم‌آمیخته از عواملی هستند که زمینه امتزاج فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌ها در زندگی واقعی و داستان را فراهم می‌کنند.



در بخش چهارم مقاله که آن را «مرزهای تراوای فرهنگ و شکاف‌های گفتمان» نامیدیم، نویسندهان بحث خود را با مقدمه‌ای درباره فرهنگ عامیانه موجود در رمان سروانتس و ریشه آن در سنت کارناوال شروع می‌کنند. بر اساس تعریف باختین، کارناوال‌گرایی¹ به بروز ویژگی‌ها و کارکردهای کارناوال در ادبیات اشاره دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: شوخی، تنوع، بازی، توجه به بدن و امور جسمانی، به رسمیت نشناختن حقانیت و جایگاه سلسله مراتبی صاحب منصبان سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و امثال آن و سرپیچی از هنجرهای فرهنگ رسمی. آثار کارناوالی می‌توانند کارناوال‌ها فضای مناسبی برای گفتگوی واقعی بین نظام‌های ارزشی گوناگون باشند.

در این بخش به حضور خرد فرهنگ عامیانه‌ای در اثر سروانتس اشاره شده که از یک کهن‌الگوی شناخته شده در فرهنگ اسپانیایی الهام می‌گیرد. این کهن‌الگو شخصیت سانچو است که پیش از حضور در رمان دنکیشوت با بسیاری از ضربالمثل‌ها و حکایت‌های مردمی گره خورده بود. او به نمایندگی از فرهنگ کارناوالی دست‌تنهای رمان نمی‌آید، بلکه پیشینه فرهنگی این کهن‌الگوی آشنا را با همه ویژگی‌هایش در مقابل فرهنگ رسمی قرار می‌دهد. ینسن و دان پس از

توضیح درباره تأثیر حضور دو فرهنگ مختلف در جوار یکدیگر و تقابل آن‌ها در رمان دن کیشوت، خصوصیت‌های مهم خرد فرهنگ کارناوالی و گفتمان خاص آن را به تفصیل شرح می‌دهند.

هم‌جواری روایت‌های مختلف، درستی و قطعیت هر دو فرهنگ و روایت‌ها و آرمان‌شهرهایشان را در هاله‌ای از ابهام می‌پیچد و فرهنگ فروdst کارناوالی، یک گفتمان آرمان‌شهری ویژه در اثر به وجود می‌آورد. این گفتمان آرمان‌شهری جدید مرتب واقعیت‌های زندگی روستایی را گوشزد می‌کند و مانع خیال‌پردازی‌های رمان‌تیکی می‌شود که نمایندهٔ فرهنگ رسمی دربارهٔ آرمان‌شهر عصر طلایی در سر می‌پرود.

پیش‌تر اشاره کردیم که به گفتهٔ هومی‌بابا، در محل تلاقی دو فرهنگ متفاوت، فضایی به نام فضای سوم بیان شکل می‌گیرد که بستر روایت‌آمیزی است. حضور فرهنگ فروdst برای ایجاد فضای سوم بیان ضروری است. در این فضای بینابینی تزلزل مرزهای فرهنگ رسمی و خرد فرهنگ مردمی افشا می‌شود. مرز میان روایت‌ها به نقطهٔ چین‌هایی مبدل می‌شود که نشت اجزاء گفتمان هر دو روایت را در دیگری طبیعی و بدیهی می‌کند. با روایت‌آمیزی، روایت‌ها به درون یکدیگر نشت می‌کنند و هر یک جنبه‌های خاصی از نظام ارزشی دیگر را به چالش می‌کشد. زبان یا گفتمان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آمیزش روایت‌های متفاوت و آرمان‌شهرهای آن‌هاست. در این کتاب به تبعیت از نویسنده‌گان مقاله، واژهٔ گفتمان به معنای مجموعهٔ واژگان خاص و نحوهٔ سخن‌گفتگی است که به یک گروه ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی یا حرفه‌ای مشخص تعلق دارد. این مقاله به دو عامل گفتمانی موجود در رمان اشاره کرده و آن‌ها را توضیح می‌دهد؛ یکی تفاوت سیاق سخن گفتن رسمی و غیررسمی و دیگری تفاوت شیوهٔ روایت‌گری^۱ رایج در میان طبقات فرادست و فروdst.

سیاق سخن‌گفتن نماینده‌گان طبقات فرادست فروdst در این رمان، مملواز ضرب المثل‌ها و کلمات قصار عامیانه است و کاملاً با سیاق فرهنگ رسمی و کلیشه‌های ادبی

نمایندگان فرهنگ رسمی تفاوت دارد. در فضای خرده‌فرهنگ غیررسمی، مردم کوچه و بازار صاحب‌گنجینه‌ای از حکایت‌ها، لطیفه‌ها و ضربالمثل‌های مشترک هستند. گفتمان عامیانه با بهره‌گیری از همین گنجینه، تردیدهایی واقع‌گرایانه نسبت به آرمان شهر عصر شوالیه‌گری ایجاد می‌کند.

نویسنده‌گان مقاله با اشاره به وجود شخصیت‌هایی با نام سانچو در داستان‌ها و ضربالمثل‌های فرهنگ عامه، مدعی هستند که در پس شخصیت سانچو خرده‌فرهنگی مشاهده می‌شود که بخشی جدایی‌ناپذیر از رمان سروانتس است. نمونه‌های گفتمان غیررسمی در سخنان شخصیت‌های فرعی دیگر رمان هم به چشم می‌خورد. گفتمان این خرده‌فرهنگ در تقابل با گفتمان نمایندگان فرهنگ رسمی در رمان قرار می‌گیرد و چالش بین دو نظام ارزشی مختلف به چالش بین دو گفتمان تبدیل می‌شود.

در فضای سوم بیان که بین دو گفتمان مختلف شکل می‌گیرد، معنی و ارجاعات گفته‌های شخصیت‌ها مبهم می‌شود. هر گفتمان درباره درستی گفتمان دیگر و منطق آن تردید ایجاد می‌کند. دامنه این تردید به فرهنگی که خاستگاه هر گفتمان است و گزاره‌های قطعی آن هم کشیده می‌شود. گویی حصار بلندی که فرهنگ‌های مختلف پیرامون خود و گفتمان خاص خودشان کشیده‌اند، به آرامی فرو می‌ریزد.

فرهنگ رسمی در رمان دن‌کیشوت، زبانی باستانی و کهن دارد که با زندگی ساده روستایی جور در نمی‌آید. همان‌طور که اشاره شد در دنیای ایده‌آل دن‌کیشوت، تصویری آرمان‌گرایانه از زندگی بی‌غل و غش روستایی وجود دارد. نامناسب بودن زبان رسمی او در مواجهه با گفتمان کنایی و شوخ روستاییان به چشم می‌آید. قطعیت آرمان‌شهری فانتزی دن‌کیشوت درباره زندگی روستایی هم در مواجهه با کنایه‌های کارناوالی خرده‌فرهنگ مردمی متزلزل می‌شود.

گفتمان‌ها علاوه بر سیاق کلام مختلف، شیوه‌های روایت‌گری گوناگونی هم دارند. مثلاً در این اثر، نحوه روایت داستان‌ها توسط نمایندگان دو فرهنگ مختلف کاملاً متفاوت است. در گفتمان فرهنگ رسمی داستان‌ها شروع، میانه و پایان مشخصی دارند. اما در گفتمان خرده‌فرهنگ موجود در رمان،

روال داستان‌گویی از چنین نظمی پیروی نمی‌کند. روایت‌های فرهنگ مردمی معمولاً پراکنده و ناپیوسته هستند. نمایندگان خرده‌فرهنگ مردمی، به نظمی که در روش روایت‌گری فرهنگ رسمی وجود دارد، تن نمی‌دهند. به نظر هومی‌بابا، وجود روش‌های گوناگون روایت‌گری، امری اتفاقی نیست. او وجود روش‌های روایت‌گری گوناگون را یکی از مظاهر «تبیین اجتماعی تفاوت»^۱ می‌داند. به عبارتی، به دلیل تفاوت‌های میان دو فرهنگ، هم روایت‌ها و آرمان‌شهرهای متفاوت شکل می‌گیرند و هم دو روش گوناگون روایت‌گری، گفتمان خاص این فرهنگ‌ها را از هم متمایز می‌کند.

خدشه‌دار شدن قطعیت آرمان‌شهر رسمی، تناقض‌های ایدئولوژیک موجود در روایت دن‌کیشوت از زندگی شوالیه‌گری قرون وسطایی را افشا می‌کند. فرهنگ مردمی سانچو، روایت و آرمان شهر آن فقط در حکم پس‌زمینه داستان سرواتنس نیست. فرهنگ سانچو هم مانند فرهنگ رسمی مرزهای مهر و موم شده‌ای ندارد و مجبور است به چالش با فرهنگ رسمی تن دهد. اما حضور این خرده‌فرهنگ در کنار فرهنگ رسمی سه کارکرد در رمان دارد: نشان دادن شکاف‌های بین دو فرهنگ، اشاره به توزیع نامتوازن سرمایه‌های فرهنگی و افشاء بی‌پایه و اساس بودن ادعاهای مبنی بر اصلاح، درستی و حقانیت ذاتی.

کنار هم قرار گرفتن دو فرهنگ پیش از هر چیز، تَرک‌ها و درزهایی را افشا می‌کند که در نمای ظاهری این رمان وجود دارد. نمای این رمان آرمان‌شهری، در نگاه اول یک‌دست به نظر می‌آید. اما همان‌طور که اشاره شد، تناقض‌های آرمان‌شهر دن‌کیشوت با کمک ضربالمثل‌ها، حکایت‌ها و لطیفه‌های طبقات فرودست جامعه که گفتمانی مردمی دارند، مرتب به مخاطب یادآوری می‌شود. به علاوه با حضور آرمان‌شهر مردمی و گفتمانش در کنار آرمان‌شهر فرهنگ رسمی، توجه خواننده رمان به این نکته جلب می‌شود که هر یک از این فرهنگ‌ها فقط به بخش‌های خاصی از سرمایه‌های فرهنگی دوران خود دسترسی دارند. سانچو از

میراث ادبی اربابش بی‌بهره است و دنکیشوت از گنجینه پربهای ضربالمثل‌ها و حکایت‌های عامیانه فرهنگ مردمی چیزی نمی‌داند.

سومین چالشی که حضور فرهنگ غیررسمی در رمان ایجاد می‌کند، به شوخی گرفتن فرهنگ رسمی و مهم‌تر از آن به شوخی گرفتن هرگونه ادعای اصالت، اعتبار و خلوص ذاتی و سلسله‌مراتبی است. همه اموری که در فرهنگ رسمی و غیررسمی بدیهی و طبیعی فرض می‌شوند، در رویارویی فرهنگ‌ها به چالش کشیده می‌شوند و در درستی آن‌ها تردید می‌شود. با در نظر گرفتن این نکات، مخاطب متوجه می‌شود که هیچ نظام ارزشی نمی‌تواند ادعای حقیقت و حقانیت محض و ذاتی داشته باشد. همین تردید راه را برای نوعی روایت‌آمیزی فرهنگی هموار می‌کند که مرزبندی‌های سلسله‌مراتبی به آن راهی ندارند.



نویسنده‌گان مقاله در جمع‌بندی مباحث خود، آخرین عاملی که در رمان سروانتس امکان درهم‌آمیزی فرهنگ‌ها و روایت‌های مختلف را فراهم می‌کند، وجود ویژگی‌های مشترک بین دو آرمان شهر می‌دانند. به رغم تفاوت‌های آرمان‌شهرهای دنکیشوت و سانچو، سه شباهت اساسی بین آن‌ها وجود دارد. نخست آن‌که در هر دو آرمان شهر دنیای واقعی به موازات دنیای آرمانی حضور دارد و از روایت شخصیت‌ها حذف نشده است. به علاوه هر دو آرمان شهر، انسان‌محور هستند و سرنوشت انسان در آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. سومین وجه مشترک دو آرمان شهر هم، میل به فراوانی و وفور در آن‌هاست. در دنیاهای ایده‌آلی که فرهنگ رسمی و فرهنگ مردمی به تصویر می‌کشند، بیشتر مشکلات به مادیات ختم می‌شوند و با وفور نعمت‌های مادی به راحتی حل می‌شوند. بدون این وجوه مشترک، آمیزش دو روایت و آرمان شهر هم‌جوار دشوار می‌شود.

روایت‌آمیزی در رمان سروانتس توجه مخاطب را به این نکته نیز جلب می‌کند که افراد فقط زمانی فاصله بین آرمان‌پردازی صرف و تحقق بخشیدن عملی به آرمان‌های خود را کشف می‌کنند که قدم در مسیر بگذارند و درگیر ماجرا شوند. ماجراجویی ضامن رسیدن به آرمان شهر نیست ولی بدون ماجرا، آرمان‌شهرها از

سطح نظری فراتر نمی‌روند، یکدیگر را ملاقات، تعدل و بازسازی نمی‌کنند. آن‌چه هویت انسان را شکل می‌دهد، صرفاً روایت منتخب او از جهان و آرمان شهرش نیست. شکل‌گیری هویت در گرو ماجرا است. با پایان ماجرا فقط مسیر رسیدن به آرمان شهر بسته نمی‌شود، بلکه هویت ماجراجو هم به نقطهٔ پایان می‌رسد. دن کیشوتی در رختخواب، مرگ را ملاقات می‌کند.

خوانش جدید این مقاله از اثر سروانتس به مخاطب رمان تذکر می‌دهد که در همه جوامع، سرمایه‌های فرهنگی به مساوات بین خرد و فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی که به نظام‌های ارزشی مختلفی پایبند هستند، تقسیم نمی‌شود و مرزهای بین دسته‌بندی‌های ثابت، استوار و سرسخت اجتماعی که از فرهنگ‌ها و خرد و فرهنگ‌های مختلف و روایت‌هایی‌شان ریشه می‌گیرند، مرزهایی نفوذپذیر و تراوا هستند که همواره بین‌شان فضای سومی برای روایت‌آمیزی وجود دارد. به علاوه توجه به نحوهٔ رویارویی فرهنگ‌های گوناگون و به چالش کشیده شدن ابعاد مختلف آن‌ها در این رمان موجب می‌شود که خواننده دربارهٔ نسبی بودن درستی و حقانیت همهٔ روایتها و آرمان شهرها یشان تأمل کند و نسبت به ادعای قطعیت همهٔ آن‌ها مردد شود.

نویسنده‌گان این مقاله، پروفسور ینسن استاد ادبیات انگلیسی و رئیس گروه مطالعات ادبی و فرهنگی در دانشگاه هارتفورد^۱ است. پژوهش‌های او در قالب کتاب‌ها و مقاله‌های معتبر نقد ادبی منتشر شده که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب شبکه آرمان شهری در دن کیشوت^۲ اشاره کرد. او این کتاب را با همکاری پروفسور دان نوشته که استاد ادبیات و زبان‌های رُمانس در دانشگاه ولین کنکتیکات^۳ است. مقاله‌های متعدد این کتاب ابعاد گوناگون آرمان شهر در رمان سروانتس را بررسی می‌کنند. دان که مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی دربارهٔ ادبیات عیاری اسپانیا نوشته، در سال ۱۹۹۰ موفق شد بورس معتبر گوگنهایم^۴ آمریکا و کانادا در زمینهٔ ادبیات اسپانیایی و پرتغالی را دریافت کند. مقاله «درهم آمیزی گفتمنی» نخستین

1. Hartford

3. Connecticut's Wesleyan University

2. *The Utopian Nexus in Don Quixote*

4. Guggenheim

بار در سال ۲۰۰۶ در کتاب شبکه آرمان‌شهری در دن‌کیشوت منتشر شد. پروفسور هرولد بلوم^۱ منتقد ادبی سرشناس و استاد برجسته ادبیات، این مقاله را از میان صدها مقاله موجود درباره رمان دن‌کیشوت برگزیده و در کتاب سال ۲۰۱۰ خود از مجموعه معتبر و معروف تفسیرهای نقد مدرن بلوم^۲ آورده است.

نشر اطراف با هدف عرضه آثاری خوشخوان در حوزه نقد حرفه‌ای داستان، برای انتخاب مترجم و متن روای دقيقی در نظر گرفته و از میان دهها نمونه ترجمه، بسته به جنس متن و پیشینه مترجم از بهترین و توانانترین گزینه برای هر کتاب دعوت به همکاری کرده است. بهروز قیاسی مترجم مقاله، دانش‌آموخته رشته ادبیات نمایشی و در حال گذراندن دوره کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تهران است. او پژوهش‌هایی در حوزه نقد ادبی و هنری را نیز در پیشینه خود دارد. از جمله فراداستان و بیان‌منیت در ادبیات کودک و بررسی آثار نمایشی بر محور نظریه خلوت^۳ ایروین آلتمن^۴. بخش‌هایی از رمان دن‌کیشوت که در ادامه و به اقتضای مباحث با اندکی اصلاح آمده، انتخاب قیاسی از ترجمة مرحوم محمد قاضی است.

1. Harold Bloom

2. *Bloom's Modern Critical Interpretations*

3. Privacy

4. Irvin Altman

اصطلاحات تخصصی مقاله:

ابرروایت Grand Narrative

ابرروایت، روایتی درباره جهان است که تمام و تمام و قطعی فرض می‌شود. هر نظریه یا نظام فکری که بر مبنای تعریف مشخصی از هستی، تجربه و دانش بشری را در قالب یک روایت جامع و کلی سامان دهد و تبیین کند، ابرروایت می‌آفریند. همه ادیان، علوم و ایدئولوژی‌های گوناگون سیاسی داستان خاصی از پیشرفت و تکامل بشر دارند. ابرروایت‌ها پیرامون این داستان‌ها ساخته می‌شوند و روایت‌های کوچک‌تر را در طرح کلی و عام خود جای می‌دهند.

چندصدایی Polyphony

حضور همزمان دیدگاه‌ها و صدای‌های متعدد و متنوع با قدرت و توان یکسان در یک اثر ادبی را چندصدایی می‌نامیم. اگر نویسنده به صدای‌ها و دیدگاه‌های مختلف موجود در اثر، مجال و عرصه مساوی دهد که منطق خاص‌شان را ارائه دهنده و آن‌ها را با نظر و صدای خود هماهنگ نکند، اثری چندصدای خلق می‌شود.

خرده‌فرهنگ Sub-culture

گروهی از مردم که در دل یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند اما ارزش‌ها و هنجارهایشان با فرهنگ مادر متفاوت است را خرده فرهنگ می‌نامیم. خرده‌فرهنگ‌ها به رغم ارزش‌ها و هنجارهای متمايزشان بعضی از اصول بنیادین فرهنگ مادر را حفظ می‌کنند.

فانتزی Fantasy

به آثار ادبی که در دنیایی غیرواقعی یا ناموجود اتفاق می‌افتد، فانتزی گفته می‌شود. معمولاً در فانتزی به عمد از واقعیت فاصله می‌گیرند.

درهم‌آمیخته / پیوندی Hybrid

در زبان‌شناسی به واژه یا عبارتی که از ترکیب و آمیختن دو یا چند واژه دیگر به وجود می‌آید، واژه یا عبارت درهم‌آمیخته می‌گویند. در این کتاب با توجه به مفهوم درهم‌آمیزی هومی‌بابا، به فرهنگ، گفتمان، روایت یا آرمان شهری که از رویارویی دو فرهنگ متفاوت به وجود می‌آید، درهم‌آمیخته یا پیوندی گفته می‌شود.

درهم‌آمیزی Hybridization

به تعریف هومی‌بابا، درهم‌آمیزی فرآیندی است که در خلال آن فرهنگ‌های گوناگون با تغییر بازسازی مرزهای خود موجب ایجاد فرهنگ‌های درهم‌آمیخته یا پیوندی می‌شوند.

روایت‌گری Narration

فرآیند انتقال روایت به مخاطب را روایت‌گری می‌گویند.

زمان‌پریشی Anachronism

در اصطلاح نظری اگر یک رخداد، شخصیت، شیء یا نظایر این‌ها به زمان اشتباهی نسبت داده شود، در اثر زمان‌پریشی به وجود آمده است.

زیرمتن Subtext

زیرمتن، مفهوم یا مضمون یک متن کتبی یا شفاهی است که با مضمون اصلی متن تفاوت دارد و معمولاً به طور تلویحی از متن استنباط می‌شود.

سبک‌پردازی Stylization

سبک‌پردازی به معنای ریختن متن ادبی یا یکی از اجزاء آن در قالب سبکی خاص است.

در این فرآیند متن به شکلی بسیار مشخص دارای سبک می‌شود و از حالت طبیعی خود درمی‌آید. از نمونه‌های سبک‌پردازی می‌توان به سنتی‌کردن متن یا به اصطلاح هنری کردن آن اشاره کرد.

کارناوال‌گرایی Carnivalesque

کارناوال‌گرایی واژه‌ای است که میخاییل باختین برای اشاره به وجود حال و هوای کارناوال در آثار ادبی ابداع کرد. شوخی، تنوع، بازی، توجه به بدن و امور جسمانی، به رسمیت نشناختن حقانیت و جایگاه سلسله مراتبی صاحب منصبان سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و امثال آن و سرپیچی از هنجرهای فرهنگ رسمی از نشانه‌های ادبیات کارناوالی هستند.

کهن‌الگو Archetype

کهن‌الگو، نمونه اصیل و اولیه شخصیت، کنش، موقعیت، تصویر یا توصیف داستانی است که نسخه‌های بعدی بر اساس آن ساخته می‌شود. کهن‌الگو معمولاً یک نماد، مضمون یا شخصیت است که به باور منتقدان ریشه در حافظه ناخودآگاه جمعی دارد و به همین دلیل در یک فرهنگ یا حتی در کل نژاد بشری معنای واحدی از آن دریافت می‌شود. کهن‌الگوها در ادبیات، اسطوره‌ها، خواب‌ها، آثار هنری، مناسک مذهبی و روایت‌های فرهنگ عامه تکرار می‌شوند. کهن‌الگو قدرت فراوانی دارد و می‌تواند احساسات مخاطب را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

شوالیه‌گری / شهسواری Chivalry

شوالیه‌گری مجموعه‌ای از آئین‌ها، اصول اخلاقی و رفتارهای اجتماعی و رزمی ایده‌آل است که در اوایل قرون وسطی برای قهرمان یا شوالیه وضع شده بود. به دلیل گران بودن تجهیزات و زره و جوشن مورد نیاز شوالیه در پیکارها، شوالیه‌گری فقط مخصوص طبقه اشراف بود ولی بعدها این وضع تغییر کرد.

رُمانس Romance

در تعریف عام، رُمانس داستانی طولانی است که شخصیت‌های اصلی اش مثل مردم عادی نیستند. رُمانس‌ها با زبانی فاخر به توصیف عشق‌های آرمانی و رخدادهایی بسیار هیجان‌انگیز یا مرموز و ماورائی می‌پردازند که هرگز وجود خارجی نداشته و نخواهد داشت. رُمانس انواع گوناگون دارد. مثلاً در رُمانس‌های شوالیه‌ای Chivalric Romance شخصیت اصلی یک شوالیه است و در رُمانس آرمانی Courtly Romance داستان یک عشق آرمانی روایت می‌شود.

عشق آرمانی **Courtly Love**

عشق آرمانی تعریف خاصی از عشق و فلسفه عشق دارد و در رُمانس‌های شوالیه‌ای مبانی رفتاری خاصی را برای عشاق وضع می‌کند. شوالیه‌ای که درگیر عشق آرمانی می‌شود باید از خانواده‌ای اصیل و اشرافی باشد و معشوقش را که او هم اصل و نسبی برجسته دارد، دیوانه‌وار تحسین کند. شوالیه برای اثبات عشق راستینش، باید با انجام کارهایی متھورانه علاقهٔ معشوق را به خود برانگیزد و از او تا پای جان دفاع کند.

فرجام‌شناسی **Teleology**

به توضیح پدیده‌های مختلف بر اساس هدفی که دارند، فرجام‌شناسی می‌گوییم.

فضای سوم بیان **Third Space of Enunciation**

فضایی بینابینی است که فرهنگ‌های گوناگون در آن با یکدیگر مواجه می‌شوند و شرایط مناسب برای درهم‌آمیزی آن‌ها و ایجاد فرهنگ پیوندی یا درهم‌آمیخته به وجود می‌آید.

گفتمان **Discourse**

در این کتاب به تبعیت از نویسنده‌گان مقاله واژهٔ گفتمان در معنای عام آن به کار می‌رود. به مجموعهٔ واژگان خاص و نحوهٔ سخن‌گفتن یک گروه ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی یا حرفه‌ای مشخص گفتمان می‌گوییم.

نازمان **Uchronia**

نازمان زمانی فرضی یا داستانی در دنیای ماست؛ زمانی آرمانی که هیچ وقت وجود نداشت، ندارد و نخواهد داشت.

